

و در روزگار است پس مستحب است که جمع کند میان نبی و رسول و بگوید یا رسول الله
عمل بهر دو روایت کرده باشد و تقدیم نبی بر رسول تقدیم نبوت بر رسالت
و در بعضی شریعت اظهار آنست که هر که رسول را بگوید و هر که از نبی را بگوید
جمع میان هر دو بگوید و نیز هر که از آنست و صفین است یا بجز آنست لفظ حدیث
این است من قاله إذا أصبح وأمسى كان حقا قال الله اني يرشده و در روزگار
است اذ ظهر الخبيثة يعني راض و ششوديم با تمام مومنان و تصدیق بر سبیل حق
بر بویست ضار اعتبار داریم و عبادت این رضایست بعضی او در شرف
عبادت او و راضیم بر رسالت و نبوت محمد مصطفی صا علیه و سلم
این رضایست در طریق ما عبادت حضرت پس بگوید یا رسول الله
هر یک بهتر است از اینست رَضِيْتُ بِاللَّهِ يَا وَيْلَةَ مَا لَأَسْئَلُكُمْ
دِينًا وَ مُحَمَّدٍ قَبِيلاً یعنی در صفت ابن ابی شیبہ کتاب عمل الیوم
و اللیله ابن سنی مرویست نیز از اسلام رضایست بصیغه رضیت که مکمل واحد است
بزیاده سه مراتب یعنی سه بار بخواند اللَّهُ مَا أَصْحَبَنِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ
بِأَخِي مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَ حُدُوكَ لَا تَمُرُّ بِكَ لَكَ فَذَلِكَ
الْحُدُوكَ لَكَ الشُّكْرُ فَوَلِّهِ مَا جَدَّ مِنْ صِلَتِكَ مِنْتِ دَرُورَتِ
الْبُودُودِ وَ لَمَّا ابْنُ قَوْلِ فَوْقِ لَفْظِ بِكَ مَكْتُوبِ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي الْبُودُودِ
مَرَّةً سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ عَنَامِ مَا بَصَحَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ فِي رِوَايَاتٍ
مَعْنَى وَ كَتَابِ عَمَلِ الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ ابْنِ سَنِي إِزَابِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
سَبْعِينَ مَرَّةً فَرَمُوهُ سَبْعِينَ مَرَّةً لِيُصْبِحَ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهُ مَرَّةً مَرَّةً
حِينَ يَمُوتُ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهُ لَيْلَةً مَعْنَى كَتَابِ رِضَا بَابِ رَضِيَ وَ سَبْعِينَ مَرَّةً

۷
برین اسلام
رضایست
اسلام در این
نست مراتب

که هر یک

که حاصل است و اصل است بین از این ارجح است تا ابد با بیکدیگر از محض
تو پس من موم و معترف که آن نعمت حاصل است از تو در حال کنش
غیبت هیچ شریکی مر ترا در ای دآن نعمت و ایصال آن راحت پس خاص
تر است جنس خود را نه غیر ترا و خاص تر است شکر زبان و دل و کلام
در معایب آن نعمت و احسان قال الله لا و ما یکلم نعمة فمن الله ای
که بنما رسید است بسبب اجبار و حکم است با این که آن نعمت از خداست پس
فما یستحق ان نعمت ما ید الله ما فی فی بک فی اللہ ما فی
فی سبغی اللہ ما فی فی بصیرتی لا اله الا انت لک مراتب
اللهم انی اعوذ بک من الکفر و القهر اللهم انی اعوذ بک
من عذاب القبر لا اله الا انت ثلاث مراتب
عافیه یعنی اعطین العافیة از باب عافیت بر قصد عافیت است که
که اینجا روایت در عافیت است العافیة وقایع الیوم و اللیله عافیه الله
عن المکره عافیه و عافیه و عافیه من العافیة من العافیة و عافیه
الله من المکره عافیه و عافیه و عافیه من العافیة من العافیة
از نه بیکدیگر است کلامی است مقبول لیکن درین محل نیست معقول بعید در
سنت ابوداؤد و ابی و کاتب عمل الیوم و اللیله ابن سنی مروی است از
حدیث ابوبکر ثقفی و در سنن ابی زبیر الیوم و اللیله ابن ابی کثیر که عافیه
فرموده است این دعا بگوید که سبب رنج و اندوه با عافیت است از آنکه
طبع انداز حصول کمال است عطف کن در حق من یا عطف کن عافیت است عافیه
در بدل من که از این معصوم از اعضا بدن معصیت و از تو دعا عفو کن از آنکه

مغالبه